

تاریخچه ی تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران

از آغاز سده سیزدهم هجری تا امروز

یحیی ذکاء

دوره ی سلطنت آغا محمدخان ۱۲۱۱ - ۱۱۹۳ هـ . ق .

از چگونگی شکل و نقش درفشهای ایران در دوره ی سلطنت آغا محمدخان قاجار متأسفانه اطلاعات جامع و مسوطی در دست نداریم ولی محقق است که علامت دولتی همان « شیر و خورشید » بوده که نقش و ضرب آن بر روی درفشها و سکه ها از زمانهای بسیار پیش در ایران معمول بوده است .

یک عدد سکه ی زرین پانصد تومانی از زمان آغا محمدخان (ضرب دارالسلطنه طهران ۱۲۱۰) در دست است که بر روی آن نقش شیری بحالت نشسته (یا جست) و نیمرخ و دم برافراشته ضرب شده که خورشیدی در حال طلوع بر پشت خود دارد و بجای چشم و ابروی صورت خورشید در داخل قرص آن « یامحمد » (اشاره بنام آغامحمدخان) و در زیر دست و پای شیر « یا علی » نوشته شده است .

در شیر و خورشیدهایی که بر روی فلوسهای دوره ی صفوی ضرب می شد معمولاً شیر را بحال ایستاده نقش می کردند ولی دانسته نیست به چه علت در این زمان شیر را بدین حالت رسم کرده اند .

از نقش و ضرب این علامت بر روی سکه ی زرین آغامحمدخان می توان پی برد که علامت درفشهای دولت ایران نیز در این دوره ، مانند دوره های زندیه و افشاریه و صفویه ، شیر و خورشید بوده ، فقط با این فرق که در این زمان شیر را بجای ایستاده ، بحالت نشسته رسم می کرده اند .

دوره ی سلطنت فتحعلی شاه ۱۲۵۰ - ۱۲۱۱ هـ . ق .

علامت درفشهای عهد فتحعلی شاه نیز مانند درفشهای دوره ی سلطنت آغامحمدخان ، شیر و خورشید بوده است و این موضوع نه تنها از آثار و مدارک بازمانده از آن زمان به ثبوت می رسد بلکه برخی اسناد و مطالب تاریخی دیگر نیز آن را تأیید می کند .

۱ - لفظ پرچم در قرن پنجم و ششم هجری قمری وارد ایران شده و در هیچ یک از نوشته های نثر و نظم فارسی پیش از آن روزگاران دیده نشده است . نه در شاهنامه ی فردوسی نه در ویس و رامین نه در گرشاسب نامه نادر تاریخ بلعی نه در ابیات پراکنده ی رودکی و دقیقی بآن بر نمی خوریم ، در دیوان و اشعار عنصری و عسجدی و منوچهری دیده نشده و نه در هیچ یک از آثار همزمان آنها .

شک نیست که لغت پرچم از نو وارد شدگان زبان فارسی است و شک هم نیست که با مفهوم درفش و علم و رایت و لوا و بیرق وارد شده و در هرجا از نظم و نثر بکار رفته بمعنی ریشه ، منگله ، گیسو ، طره ، کاکل گرفته شده است . این ریشه یا طره ، اصلاً از موی گاوی ساخته می شده که آن را « غرغاو » نامیده اند . در فرهنگ های فارسی پرچم چیزی جز همین طره تعریف نشده ، هر چند در تعریف برخی از آنها اشتباهی رخ داده اما آن اشتباه آنچنان نیست که ریشه یا طره خود درفش یا علم بشمار رود . در همه جا « پرچم » ریشه یی است از موی غرغاو (گاوتبتی) که بر نیزه و علم و گردن اسب و گردن دلبران آویزند . در جستجوی پرچم به رسوی روی آوریم و هر جا که آن را بیابیم جز دم گاوتبتی چیزی دستمان نمی آید محمود کاشغری نزدیک بهزار سال پیش از این گفته « پرچم ترکی است » . در لهجه غز هر چه باشد ایرانی نیست و هیچ برازنده و شایسته نیست نام علم ما باشد . درفش لغت چندین هزار ساله ی ایرانی که در اوستا هم یاد شده است چه عیبی دارد که ما آنرا رها ساخته بناچار بدم گاو بچسبیم » هر مزدنامه ی پورداود ص ۳۰۳ - ۲۸۷ .

شکل ۱ - پشت و روی سکه ی زرین پانصد تومانی از زمان آغا محمدخان قاجار



در «دیوان غربی - شرقی» گوته شاعر معروف آلمان قطعه‌یی هست بشعر فارسی باعنوان «در درفش» که عیناً بهخط فارسی نقل کرده‌اند. پیداست این قطعه را حاج میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف به ایلچی که نخست در ربیع‌الثانی ۱۲۲۴ قمری مأمور سفارت بانگلستان شده و سپس در ۱۲۴۰ وزیر امور خارجه فتحعلی‌شاه شده‌است، بر روی بیرقی که باخود داشته رسم کرده است و نقش این بیرق بنا بر فحوای این قطعه، شیروخورشید بوده است:

فتح علی شاه ترك، جمشید گیتی افروز
کشور خدای ایران، خورشید عالم افروز
چترش بصحن کیهان، افکنده ظل اعظم
گرزش بمغز کیوان، آکنده مشک سارا
ایران کنام شیران، خورشید شاه ایران،
زانست «شیروخورشید»، نقش درفش دارا
فرق سفیر دانا یعنی ابوالحسن خان
بر اطلس فلک سود از این درفش خارا
از مهر سوی لندن، او را سفیر فرمود
زان داد فر و نصرة بر خسرو نصارا^۲

در عهد سلطنت فتحعلی‌شاه بعلت تماس نزدیک‌تر و بیشتری که ایرانیان با اروپائیان پیدا کردند و هیئت‌های نظامی فرانسوی و انگلیسی که برای تعلیم و تربیت افراد و صاحب‌منصبان قشون ایران، بشیوه‌ی نظام نوین، بایران آمدند و جنگهای مداوم و طولانی که در قفقاز بازوها پیش آمد، دربرخی از شئون کشور و لشگری ایران کم‌وبیش، تحولاتی روی داد و بسیاری از امور که در میان ایرانیان سابقه‌یی نداشته، معمول نبود از اروپائیان اقتباس گردید، از جمله‌ی این تحولات تغییر دادن شکل پارچه‌ی سه‌گوشه یا مثلثی درفشهای ایران به مربع و مربع مستطیل بود. هر چند بطور محقق معلوم و مسلم نیست که این تغییر ابتدا در چه سالی و در کجا و با دست چه کسی، انجام گرفته ولی باتوجه به نقاشیها و مینیاتورهای کتاب شاهنشاه نامه‌ی فتحعلی‌خان صبا ملك الشعراى دربار فتحعلی‌شاه که در سال ۱۲۲۵ هـ. ق. مصور گردیده و بدلال آن‌ها، هنوز در آن زمان درفشهای سه‌گوشه متداول بوده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این تغییر شکل در فاصله‌ی سالهای ۲۸ - ۱۲۲۵ هـ. ق. انجام گرفته است.

۲ - درفش ایران، سعید نفیسی ص ۷۴.

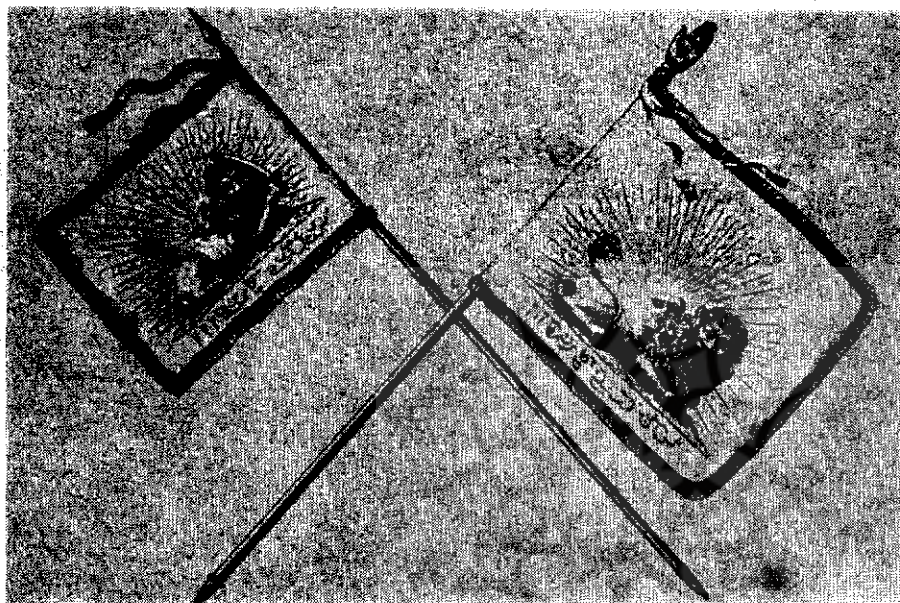
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

شکل ۴ - بشقاب زرین مدور میناکاری شده که از طرف فتحعلی‌شاه به «سرگراوژنی بارت» سفیر انگلیس اعطا شده است. در وسط بشقاب نقش شیروخورشید و در حواشی دسته‌های گل و پرندگان بوسیله محمدجعفر میناساز معروف، مینا شده‌است. در دور دایره‌ی شیروخورشید نام فتحعلی‌شاه و سرگراوژنی و تاریخ ۱۲۲۸ هـ. ق. مطابق سنه ۱۸۱۳ میلادی نوشته شده. این ظرف زمانی در مصر در مجموعه‌ی آقای کازرونی بوده و سپس جزو مجموعه‌ی سلطنتی مصر درآمد (۱۹۵۴) و اینک در لندن متعلق بخانم Sotheby میباشد.



درسفرنامه‌ی يك تن سرهنگ فرانسوی بنام «گاسپار دروویل» (Gaspar Drouvilles) که در سالهای ۱۲۲۷ و ۱۲۲۸ ه. ق. در ایران بوده، درباره‌ی درفش‌های آن دوره این‌طور نوشته شده است:

«درفش‌های بزرگ و کوچک ایرانیان دارای نقش دولتی است که شیر خفته‌بی است در برابر خورشیدی در حال طلوع و با این عبارت: «سلطان بن سلطان فتحعلی شاه قاجار» یعنی سلطان پسر سلطان، فتحعلی شاهی که از طایفه‌ی قاجار بیرون آمده است. مانند بیرق‌های ما مژگین از نوارهای تافته‌ی سفید و ریشه‌های زرین است. بیرق‌های بزرگ سرخ است و بالای آنها دستی است از نقره که دست‌علی باشد. بیرق‌های کوچک کبود است و در بالای آن نیزه‌ی زرینی است که به تیزی نیزه‌های سواران اروپائی است».



شکل ۳ - درفش‌های عهد فتحعلی شاه از کتاب گاسپار دروویل

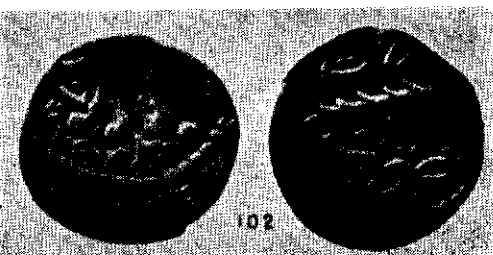
«در این کتاب تصویر دو بیرق بزرگ و کوچک زمان فتحعلی شاه هم هست. آنکه در طرف راست و بزرگتر است زمینه‌ی آن سرخ تیره و شیر و خورشید آن زرد چاپ شده و آن که در طرف چپ و کوچکتر است زمینه‌ی آبی تیره و شیر و خورشید زرد دارد».

پارچه‌ی درفش‌هایی که دروویل، تصویر آنها را در کتاب خود آورده است، چنان که می‌بینیم شکل مربع دارد و از اینجا پیداست که در آن هنگام همان‌طور که دولت ایران سربازان و افسران خود را رخت و تجهیزات اروپائی پوشانیده سپاه خود را بشیوه‌ی نظام نوین اروپا آراسته بود، شکل پارچه‌ی درفش را نیز از اروپائیان اقتباس کرده، شکل مثلثی سابق را متروک گذاشته بوده است».

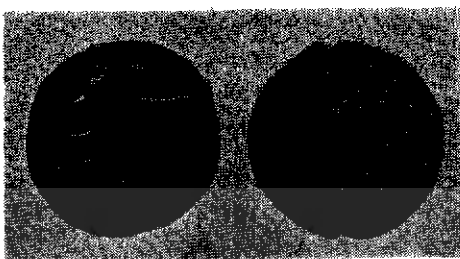
۳ - درفش ایران ص ۷۷. در عبارت اصل کتاب بجای «سواران اروپائی» که آقای سعید نفیسی ترجمه کرده «هولان» (Hulans) نوشته شده که «اوغلان» (Ughlan) نیز خوانده می‌شود و گفته‌اند این نام مأخوذ از کلمه‌ی «اوغلان» ترکی است و عموماً در مورد سواران نیزه‌دار ارتش‌های آلمان و اتریش و روسیه بکار می‌رود.

۴ - چون شکل پارچه‌ی مربع یا مربع مستطیل درفش از اروپائیان اقتباس شده بود و تقلید از آن از نظر مذهبی «تشبه بغیر مسلم» شمرده می‌شد و جایز نبود در مسجدها و تکیه‌ها و مراسم و دسته‌های مذهبی، بهمان شیوه‌ی قدیم از علم‌های رنگارنگ مثلثی شکل استفاده می‌کردند که هنوز هم بدان منوال است فقط در چند سال اخیر است که کم‌کم حمل‌های چهارگوشه نیز در دسته‌های مذهبی دیده می‌شود.

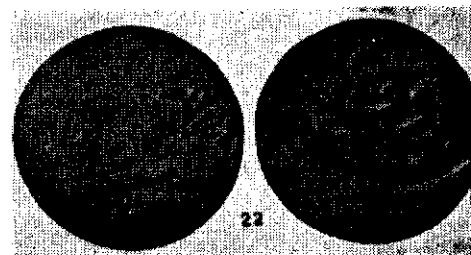
آنچه در تصویر درفشهای کتاب دروویل بیش از همه جلب توجه می‌کند شمشیربست که در وسط درفش کوچک کبودرنگ بدست شیر نشسته داده‌اند. چون این نسخه از کتاب دروویل بسال ۱۲۴۰ هـ . ق . (۱۸۲۵ م.) بچاپ رسیده‌است ، اگر هم ما ، تنها تاریخ چاپ کتاب را در نظر گرفته و توجهی بزمان توقف واقامت او در ایران (۸-۱۲۲۷ هـ . ق .) نه‌نماییم ناچاریم بپذیریم که برای نخستین‌بار در این تاریخ است که شمشیر بدست شیر علامت دولت ایران نمایان گردیده است. ولی جای شگفتی است که نه خود دروویل و نه دیگران که پس از او درباره‌ی نقش علامت درفشهای دولت ایران در زمان فتحعلی‌شاه مطالبی نوشته‌اند ، هیچ‌کدام بودن چنین شمشیری را در دست شیر متذکر نگردیده‌اند و در کتابها و نوشته‌ها و نقش‌ها ، تا زمان محمدشاه ، بجز در این تصویر و نقش يك عدد فلوس مسی ضرب «اورمی» (ارومیه = رضائیه) که تاریخ ۱۲۴۹ هـ . ق . دارد و در دست شیر نشسته‌ی آن شمشیری دیده می‌شود ، دیگر اثری از این موضوع پدیدار نیست .



شکل ۶ - فلوس با نقش شیر شمشیر بدست . ضرب یزد . (مربوط بحاشیه‌ی شماره ۵)



شکل ۵ - فلوس با نقش شیر شمشیر بدست . ضرب یزد . (مربوط بحاشیه‌ی شماره ۵)

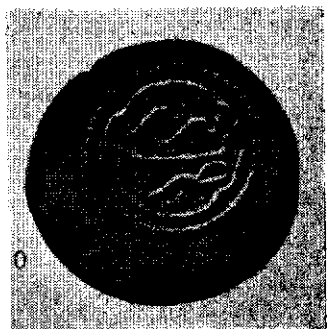


شکل ۴ - فلوس مسی ضرب اورمی و خورشید و شمشیر . ق . هـ ۱۲۴۹ . با نقش شیر نشسته

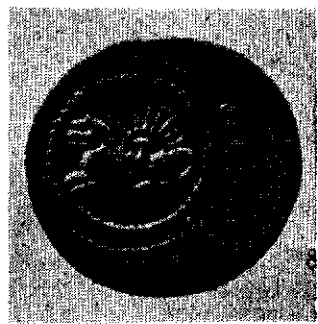
باتوجه بمطالب فوق ، خود پیداست نظریات کسانی که تاکنون معتقد بوده‌اند که شمشیر بدست گرفتن شیر ، برای نخستین‌بار در زمان سلطنت محمدشاه انجام گرفته تغییر می‌یابد وثابت و محقق می‌شود که شمشیر بدست گرفتن شیر علامت دولت ایران ، حداقل ، از اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه در ایران معمول و متداول گردیده است .

تغییر دیگری که در این زمان در درفش و علامت دولت ایران رخ داد ، در وضع و هیكل شیر بود ، بدین معنی که قبل از اواسط سلطنت فتحعلی‌شاه ، همیشه شیری که در سکه‌ها و درفشهای ایران نقش می‌گردید ، شیر ایرانی بود ، زیرا «شیرهای ایرانی چه‌ر و چه ماده ، بی‌بال بوده‌اند نه‌همچون شیرهای آفریقا که نرهایشان یا الدار و ماده‌شان بی‌یالست» و این موضوع باتوجه به نقش شیرهایی که در آثار هخامنشی ، ساسانی ، سلجوقی ، مغول و صفوی باقی مانده‌است ، کاملاً هویداست (سابقاً در ایران شیر وجود داشته‌است و حتی بنا نوشته گوینو ، تا یکصدسال پیش در دشت ارژن شیراز که دارای بیشه‌های انبوهی بوده شیر دیده شده‌است) ، ولی در این سالها به پیروی از طرز نقاشی اروپائی ، شیر را یا الدار گردانیده و صورت آنرا که در ایران همیشه نیم‌رخ رسم می‌کردند ، تمام‌رخ نگاشتند. اما همان گونه که گاهی در پایتخت و شهرستانها بشیوه‌ی سابق ، درفشهای مثالی شکل

شکل ۷ - فلوس با نقش شیر نشسته و خورشید از زمان فتحعلی‌شاه . ضرب تبریز

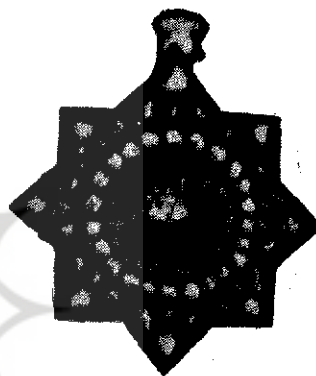


۵ - در کاتالوگ سکه‌های ایرانی موزه‌ی بریتانیا ، تصویر دو فلوس مسی که در بکروی آنها نقش شیر و شمشیر و در روی دیگرشان نقش ماهی ضرب شده ، موجود است که نویسنده‌ی کاتالوگ بعلت محبوبون قسمتی از خطوط ، محل ضرب آنها را «تبری» خوانده و نقش یکی از آنها را شیر تنها و دیگری را فیل تشخیص داده‌است (تیغه‌ی شمشیر را خرطوم فیل تصور کرده‌ا) ولی بنظر ما این دو فلوس هر دو در شهر یزد ضرب شده و موضوع نقش هر دو نیز شیر شمشیربست است و چنین می‌نماید که تاریخ ضرب آنها پیش از دوره‌ی سلطنت محمدشاه باشد ولی چون تاریخ صریح ندارند از این رو نمی‌توان این موضوع را یقین و محقق دانست .



بر می افراشتند ، گاهی نیز شیرها را نیمرخ نقش می کردند و دستور وقاعده‌ی ثابتی در میان نبود .
 سرجان ملکم سفیر فوق‌العاده‌ی انگلیس که در سال ۱۲۲۴ هـ . ق. بدربار فتحعلی‌شاه آمده ،
 در تاریخ ایران که بسال ۱۲۳۱ هـ . ق. در لندن بچاپ رسانیده درباره‌ی درفش و علامت دولت ایران
 این‌طور می‌نویسد :

« سلاطین ایران هم از قرنهای بسیار صورت شیروخورشید را از مخصوصات خود
 شمرده‌اند . سبب این درست معلوم نیست لیکن دلیل بر آنست که باید این رسم خیلی قدیم باشد .
 این‌صورت در سکه‌ی یکی از سلاطین سلاجقه‌ی قونیه دیده شده‌است . چون هلاکو این سلسله را
 تمام کرد احتمال دارد که خود یا اعقاب و انسال او این نقش را بعلافت این فتح اختیار کرده
 و از آن به بعد یکی از نشانهای ایران شده‌است بالجمله این‌صورت را بر در سراهای
 سلطنت نقش می‌کنند و بر در سرای شاه‌عباس بزرگ در اشرف مازندران این نقش دیده شده‌است
 هم‌چنین علاوه بر اینکه علامت و نقش منقوش و بیرقهاست ، نشان افتخار نیز هست که بر طلا و نقره
 بسرداران و صاحب‌منصبانی که در جنگها با اعدای مملکت از امثال امتیازی حاصل کرده‌اند از جانب
 پادشاه عنایت می‌شود»^۷ .



شکل ۸ - نشان شیروخورشید
 جواهر نشان از عهد فتحعلی‌شاه

شکل ۹ - تصویر ملک‌شاه نظرزاده میرداود
 ضادوریان سفیر فتحعلی‌شاه در پاریس با نشان
 شیروخورشید و حمایل آن

عکس نشان شیروخورشیدی که سرجان ملکم از آن در کتاب خود نام برده ، خوشبختانه
 در کتاب سفیر ارمنی فتحعلی‌شاه بنام « ملک‌شاه نظرزاده میرداود ضادوریان » که بسال ۱۲۳۲ هـ . ق .

۶ - در درفشهای دوره‌ی فتحعلی‌شاه اغلب شیر را نشسته رسم می‌کرده‌اند و این‌موضوع تقریباً در سکه‌ها
 و درفشهای آن‌دوره عمومیت داشته ولی با این‌همه، در فلوسهایی از همان دوره دیده شده که شیر ایستاده نیز ضرب
 شده‌است . از جمله در روی فلوسهایی که بسال ۱۲۲۲ و ۱۲۲۸ هـ . ق. در اصفهان و فلوسی که در ۱۲۳۷ هـ . ق .
 در تبریز ضرب شده و اینک در تصرف نویسنده است شیرها ایستاده و دم برافراشته نقش گردیده‌اند .
 ۷ - تاریخ سرجان ملکم ص ۲۸۷ .

مقیم پاریس بوده آمده است . این کتاب در سال ۱۲۳۳ ه . ق . (۱۸۱۷ م .) به سه زبان فرانسه ، فارسی و ارمنی بوسیله‌ی شخص مذکور در فوق تحت عنوان :

«Etat actuel de la perse par Mir-Davoud-Zadour de Mélik Schahnazar chevalier des ordres du Soleil et du Lion, envoyé en France en 1816 imprimé en persan, et traduit en Arménien et en Français par J. Chahan de Cirbied, Paris 1817».

چاپ گردیده و در آغاز کتاب تصویر نشان شیروخورشید الماس‌نشانی را که فتحعلی‌شاه باو داده بوده آورده و در دنباله‌ی نام خود بفرانسه افزوده است :

«Chevalier de la première class des ordres du Soliel et du Lion de Perse».

و نیز بفراسی چنین رقم کرده است : «مرقوم شد در دارالسلطنه پاریس در شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۱ صاحب‌نشان شیروخورشید ایران ، ملک‌شاه نظرزاده میرداود ضادوریان»^۸ .

بدینسان همانطور که سرجان ملکم انگلیسی نوشته است محقق می‌شود که در سال ۱۲۳۱ ه . ق . در ایران نشان طلا و نقره و جواهرنشان شیروخورشید با درجات مختلف وجود داشته که بصاحبان مناصب اعطاء می‌گردیده است .

کتاب میرداود ضادوریان را یک‌بار دیگر «مسیو لانگله» (M. Langle) خاورشناس فرانسوی در سال ۱۲۳۴ ه . ق . (۱۸۱۸ م .) چاپ کرده و در آن «از شیروخورشید یاد کرده ولی شگفتست که آنرا «مهروشیر» می‌نامد و دانسته نیست این نام را از کجا بدست آورده . بهر حال او نیز همچون دیگران شیروخورشید را بازمانده از ایران باستان و یادگار آتش‌پرستی ایرانیان می‌پندارد و چنین مینویسد : به همچشمی سلطان سلیم سوم عثمانی که نشان «هلال» را پدید آورده و پادشاهان عثمانی آنرا به اروپاییان و دیگران از ترسایان دهند . فتحعلی‌شاه هم نشان «مهروشیر» را درست کرده است»^۹ .

«موریس دوکتربو» آلمانی که همراه ژنرال یرمولوف سفیر فوق‌العاده امپراتور روسیه بسال ۱۲۳۳ ه . ق . بایران آمده ، از مشاهدات خود در ایران سفرنامه‌یی پدید آورده که در آن ، ضمن بحث از ارتش ایران ، تصویر زنبورکچی شترسواری را چاپ کرده که زنبورکی در پیش و درفش شیروخورشید بزرگی در دست چپ دارد . در این تصویر نیز پارچه‌ی درفش بشکل مربع است و در وسط آن نقش شیر نشسته‌یی که خورشید طالع در پشت دارد نمایانست .

۸- درفش ایران ص ۷۵ .

۹- تاریخچه‌ی شیروخورشید کسروی ص ۲۵ چاپ دوم .

شکل ۱۰- زنبورکچی شترسوار با درفش شیروخورشید از کتاب موریس دوکتربو

شکل ۱۱- تابلو نقاشی چینی هدیه‌ی دولت اتریش به فتحعلی‌شاه . کاخ گلستان



سال ۱۲۳۵ هـ . ق . دو تابلو نقاشی عالی از چینی از طرف دولت اتریش به فتحعلی شاه هدیه گردیده که اینک هر دو در موزه کاخ گلستان نگاهداری می شود . در یکی از این تابلوها نقش مهر فتحعلی شاه و در دیگری آرم دولت ایران یعنی شیر و خورشید بر روی بدنه ای گلدان نقاشی و تزیین گردیده است . در دور دایره ای آرم عبارت زیر :

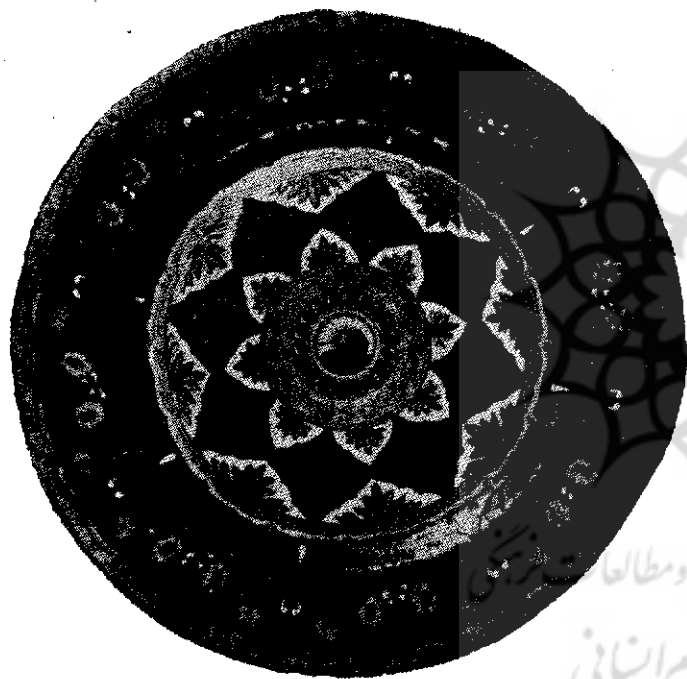
« یادگار بطرف اعلیحضرت قدر قدرت جمشید حشمت سلیمان رتبت شاهنشاه ممالک بسطه ایران » بخط نستعلیق ناشیانه نوشته شده و در زیر تابلوها نام نقاش و تاریخ و محل ساخت بخط لاتین بدینگونه ثبت گردیده است^{۱۰} : « Joseph Nigg in Wien, 1819 » .

در کتاب انگلیسی بعنوان « National costumes, Persia » تألیف « فردریک شوبرل » (Frederic Schoberl) از سری کتابهای « World in Miniature » که در زمان فتحعلی شاه (۱۲۳۸ هـ . ق .) در لندن چاپ شده و در دسترس نویسنده است باز تصویر یک تن زنبورکچی

۱۰ - J. Nigg متولد ۱۷۸۲ م . اهل وین از نقاشان مکتب آلمان است که اغلب موضوع تابلوهای او را

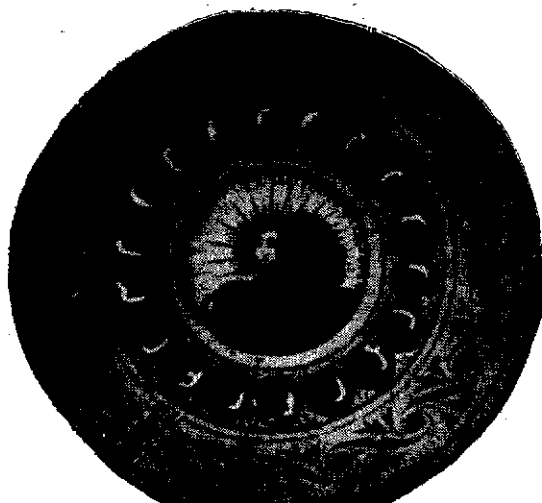
گلها و میوهها تشکیل می دهد رجوع شود به :

Dictionnaire Historique des peinture par Adolphe Siret Paris 1866.



شکل ۱۲

شکل ۱۳ - بشتاب چینی ساخت کارخانه مینتون انگلستان با نقش علامت دولت ایران که یک سرویس از آن به فتحعلی شاه هدیه شده است . کاخ گلستان



شکل ۱۴

نظیر تصویر پیش با اندکی اختلاف بصورت رنگی با سمه گردیده که در آن رنگ پارچه‌ی درفش سرخ گلی نمایانده شده که در وسط دارای دایره‌ی سفیدست و شیروخورشید برنگ زرد در میان آن دایره قرار گرفته است.

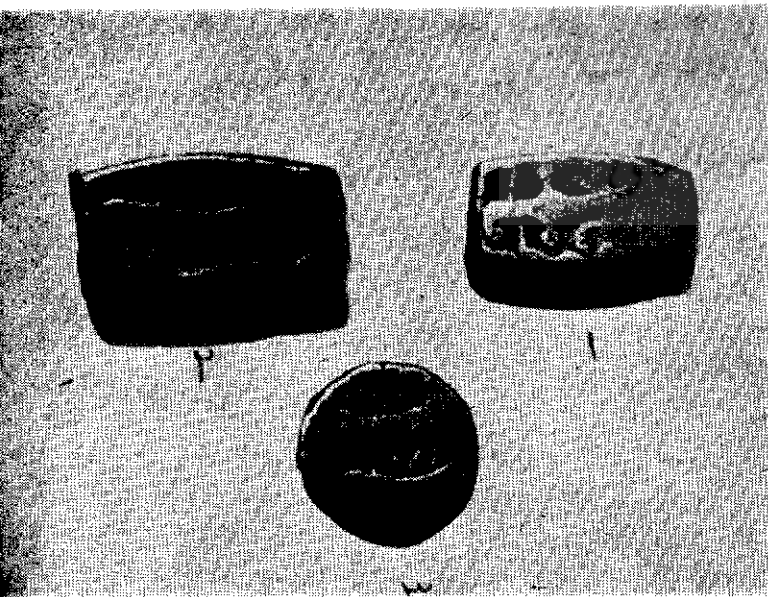
مؤلف همین کتاب در صفحه‌ی ۱۹۹ در ضمن بحث راجع به نقوش عهد فتحعلی‌شاه می‌نویسد: «هرفوجی درفش مخصوص بخود دارد این درفشها برنگهای گوناگون و باقسام مختلف است و از پارچه‌های گرانبها ساخته شده و مثلثی و گوشه‌دار می‌باشد و بر روی آنها شعارهای مذهبی یا آیاتی از قرآن نوشته شده و روی اغلب آنها شیروخورشید یا ذوالفقار (شمشیر دو تیغه‌ی علی) نقش گردیده است».

از مطالب فوق چنین دانسته می‌شود، همچنان که در دوره‌ی صفوی نقش شمشیر ذوالفقار را بر روی فلوسهای مسی ضرب و بر روی پارچه‌ی درفشها رسم می‌کردند، در زمان فتحعلی‌شاه نیز هنوز نقش کردن ذوالفقار بر روی درفشها متداول بوده و عده‌ی بی‌ازدرفشهای نظامی سپاه وی نقش این شمشیر افسانه‌آمیز را داشته است.^{۱۱}

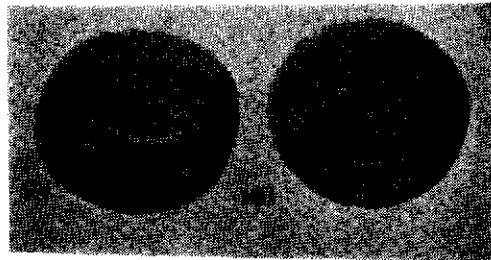
چنانکه قبلاً هم گفتیم، در دوره‌ی سلطنت فتحعلی‌شاه بعلت آشنایی ایرانیان با مردم کشورهای اروپایی و ازدیاد آمدوشد سفرا و نمایندگان سیاسی و جهانگردان و عقد قراردادهای و معاهده‌ها و توجه باین که هر یک از کشورهای اروپایی علامت و آرمی مخصوص بخود دارد که در سرنامه‌های دولتی و درفشها و نشانها و سکه‌ها از آن استفاده می‌کند - احتیاج بوجود یک آرم دولتی در میان ایرانیان نیز کاملاً محسوس گردید. بنابراین در یکی از سالهای سلطنت فتحعلی‌شاه سفارشی برای ساختن آرم و ضرب سکه‌های ماشینی بکشور انگلیس داده شد.

شکل ۱۵ - زنبورکچی با درفش سرخ شیروخورشیددار عهد فتحعلی‌شاه از کتاب فردریک شویرل

شکل ۱۶ - ۱ و ۲ - فلوسهای مسین با نقش ذوالفقار از دوره‌ی صفویه
 ۳ - فلوس مسین با نقش ذوالفقار و تاریخ (۶) ۱۲۴۳ از عهد فتحعلی‌شاه.
 از مجموعه‌ی نویسنده



از این آرم یا علامت دولتی جدید که در انگلستان برای دولت ایران پدید آورده بودند ،
جز دو نمونه که نویسنده در ضمن تحقیق این موضوع بدست آورده است تاکنون هیچ اثر و اطلاعی
نه از راه نوشته و کتاب و نه از راه های دیگر ، در میان نبود و به همین علت ، همه کسانی که درباره ی
تحولات درفش و علائم دولتی ایران مطالبی نوشته اند هیچ یادی از آن نکرده اند .



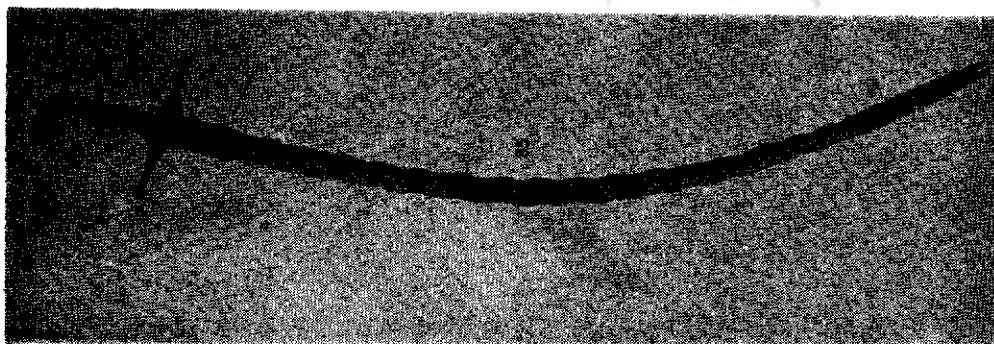
شکل ۱۷ - فلوس باننش ذوالفقار مورخ ۱۲۱۰
ه . ق . موزه ی بریتانیا

۱۱ - ذوالفقار نام شمشیر است که ابتدا ، متعلق به منبیه الحجاج بود که در غزوه ی بدر کشته شد
و رسول اکرم آنرا برای خود برگزید و سپس چون در غزوه ی احد شمشیر حضرت علی شکست حضرت رسول
آنرا بعلی بن ابیطالب عطا کرد و در همان جنگ بود که فرمود : « لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار » .
تیغی این شمشیر چون بشکل فقار (مهره های پشت) بوده ذوالفقار نامیده شده و اینکه در ایران
و افغانستان عامه ی مردم آنرا شمشیر کچی پنداشته اند که تیغی آن پهن و دوزبانه و به عبارت دیگر دوشقه بوده -
و این شکل افسانه یی را بر روی فلوسهای مسی دوره ی صفویه و قاجاریه و بر روی درفشها نیز نقش کرده اند (شکل ۱۸) -
اشباهی بیش نیست ، ذوالفقار چنانکه در تصویر نمونه یی از آن دیده می شود (شکل ۱۹) دارای تیغی بوده
با انحناهای متوالی بصورت فقرات پشت و نوک چاکدار .



شکل ۱۸ - تصویر خیالی از شمشیر ذوالفقار .
(مربوط به حاشیه ی شماره ۱۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



شکل ۱۹ - نمونه یی
از شمشیر ذوالفقار .
از مجموعه ی موزه ی
اسلحه ی موزردروسی
(مربوط به حاشیه ی
شماره ۱۱)

جزئیات این آرم چنانکه از تصویرش هم پیداست ، عبارتست از یک سپر اروپایی در وسط که بر روی آن ، یک شیرنشسته و در پشت آن خورشید طالع نقش گردیده و در سمت چپ یک شیر آفریقایی نیمرخ که دست خود را بر گوشه‌ی سپر نهاده و در سمت راست یک حیوان ترکیبی پردار و دم‌دار که بانگلیسی آنرا «Wyvern»^{۱۲} می‌گویند و بهتر است ما آنرا ازدهای پردار بنامیم ، قرار گرفته است . در قسمت بالای آرم تاج کیانی با جقه و تل و در زیر پای دو حیوان مذکور یک رشته باند یا نوار که در چهار جا چین خورده و در هر قسمت آن کلمات : «اسد» و «الله» و «الغالب» نوشته شده ، نقش گردیده است .



شکل ۲۰ - سکه‌ی نقره با آرم جدید که در انگلستان برای دولت ایران ضرب شده بود از مجموعه‌ی سکه‌های ایرانی موزه‌ی بریتانیا

از مطالعه و دقت در اجزاء مرکبه‌ی این آرم چنین فهمیده می‌شود که از سازنده‌ی آن خواسته بوده‌اند که چند موضوع از جمله «شیر و خورشید» و «تاج کیانی» و عبارت «اسدالله‌الغالب» را در آن بگنجانند (این اولین بار است که نقش تاج کیانی بر روی علامت دولت ایران ظاهر می‌گردد). از نوشتن عبارت «اسدالله‌الغالب» بر روی نوار پایین آرم ، چنین پیداست که در اوایل دوره‌ی قاجاریه و شاید هم بسیار پیش‌تر از آن ، در مورد «شیر» علامت دولت ایران به تعبیر جدید و خاصی معتقد و قائل بوده‌اند و این حیوان شجاع را بسبب اینکه یکی از القاب حضرت امیرالمؤمنین علی (ع . س .) «اسدالله» بوده ممثل‌کننده‌ی شجاعت آن حضرت می‌پنداشته‌اند و برای بیان همین منظور و اعتقاد بوده که دستور نوشتن چنین عبارتی را در آرم جدید داده بوده‌اند. گویا پس از آماده شدن آرم ، بی‌آنکه طرح اولیه‌ی آنرا بنظر اولیای دولت ایران رسانده عقیده‌ی آنان را درباره‌اش بیبرسند ، بلافاصله سکه‌هایی با عبارت «السلطان بن السلطان فتح‌علی‌شاه قاجار» ضرب کرده بایران فرستاده‌اند و چنانکه در تصویر هم پیداست سازنده‌ی آرم یا حاکم سکه

۱۲ - «Wyvern» نام یک جانور ترکیبی افسانه‌ی مربوط بقرون وسطی است که اغلب تصویر آنرا بر روی سپرهای گاردهای سلطنتی نقش می‌کردند و در شکل مانند ازدهای بالدار است که سر سگ و دو پا مانند بای عقاب و دمی خاردار دارد .

نیز در پایین آن حرف «B» یعنی اول نام خود را - که نویسنده‌ی کاتالوگ^{۱۳} سکه‌های ایرانی موزه‌ی بریتانیا «Reginald Stuart Pool» اورا «Bain» معرفی می‌کند - باقی گذاشته ولی باین همه از محل و تاریخ و حتی ارزش سکه خبری نیست^{۱۴}.

از قرائن چنین پیداست که سکه‌های جدید پس از رسیدن بایران بعزت ضرب آرم نوظهور خارجی بر روی آنها بخصوص با آن اژدهای نامأنوس که بچشم ایرانیان آن زمان سخت بیگانه می‌نموده و طرز کتابت عبارت «اسدالله‌الغالب» که کلمه‌ی «الله» آن از نظر ایرانیان مسلمان در جای بسیار نامناسب افتاده است - ذوب گردیده ، اثری از آن‌ها در ایران باقی نمانده است .

نویسنده‌ی این مطالب چندی پیش ، فلوسی از این نوع در همدان در نزد شخصی دیده‌ام که قسمت آرم آنرا با سوهان ساییده محو کرده بودند و تنها در پشت سکه عبارت «السلطان بن السلطان فتحعلی‌شاه قاجار» با همان شیوه خط ، باقی مانده بود و این موضوع بخوبی می‌رساند که ضرب این آرم اروپایی آنهم بدین صورت بر روی سکه‌های ایران ، تا چه اندازه برای ایرانیان آن روزگار ناگوار افتاده بوده است^{۱۵}.

جز این سکه که تصویر آن را از کاتالوگ سکه‌های ایرانی موزه‌ی بریتانیا آوردیم ، نویسنده ، نمونه و اثر دیگری از این آرم در جزو اشیاء موزه‌ی کاخ گلستان بدست آورده‌ام که گمان می‌رود ، آن نیز مقارن با ایجاد آرم و ضرب همین سکه‌ها آماده گردیده ، به فتحعلی‌شاه هدیه شده بوده است .

۱۳ - The coin of the shahs of Persia 1887, London

۱۴ - سابقاً بر روی سکه‌های ایران ارزش تعیین نمی‌گردید و مردم از بزرگی و کوچکی سکه‌ها آنها را شناخته بارزششان پی می‌بردند از سال ۱۲۸۱ ه . ق . به این سو ضرب ارزش سکه‌ها و فلوسها بر روی آنها معمول گردید .

۱۵ - چه بسا عدم رواج این سکه‌ها در ایران ، علل سیاسی و اقتصادی دیگری هم داشته است که ما از آن‌ها بی‌اطلاع هستیم .



شکل ۴۱ - فنجان یا پیاله‌ی چینی با آرم جدید هدیه‌ی دولت انگلیس به فتحعلی‌شاه . کاخ گلستان

این اثر عبارت از چند عدد فنجان بی‌دسته یا پیاله‌ی چینی است که در دیواره‌ی بیرونی آنها، آرم مذکور عیناً نقاشی و چاپ گردیده و خوشبختانه در کعب آنها نام کارخانه‌ی سازنده یعنی «Spode & Copeland» نوشته شده است و از همین راه بود که نویسنده‌ی بردم که آرم مزبور در انگلستان ساخته شده و سکه‌های نقره و فلوسهای مسی نیز در همان کشور ضرب گردیده است .

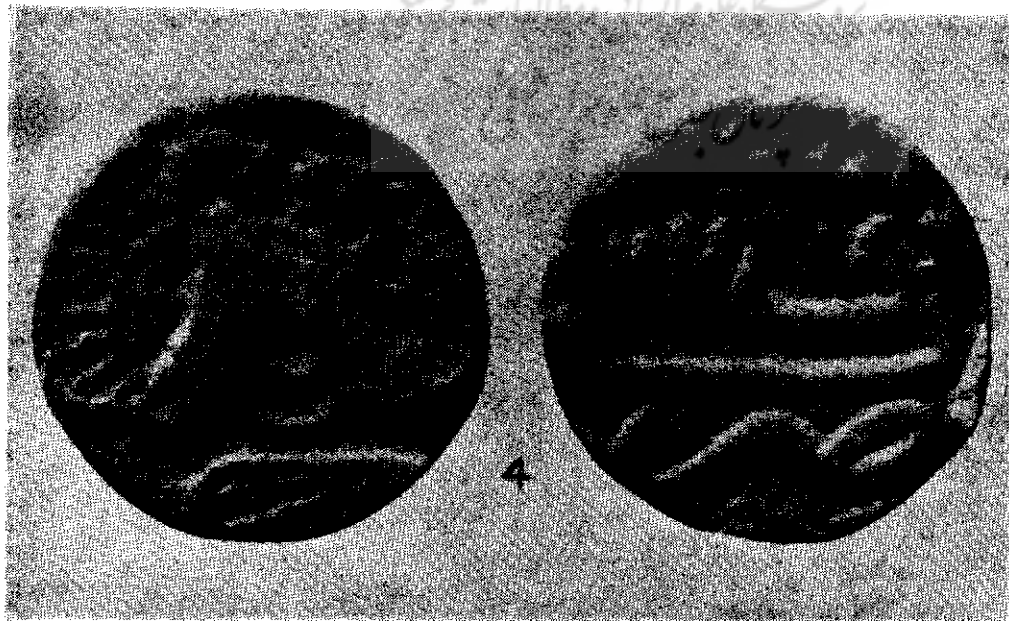
یکی دیگر از نشانه‌ها و قرائن اینکه در دوره‌ی سلطنت فتحعلی‌شاه ، در ایران ، کوشی برای پدید آوردن علامت جدیدی نظیر «آرمواری» های کشورهای اروپایی بعمل آمده و دامنه یافته بود ، نقش فلوسی است که در همان زمان در بندر بوشهر یا باملاہ قدیم «ابوشهر» ضرب گردیده است .

تاریخ ضرب این فلوس متأسفانه کاملاً واضح و مشخص نیست ولی در هر صورت (۱۲۲۹) بر روی آن خوانده می‌شود و گویا در فاصله‌ی سالهای ۱۲۲۰ و ۱۲۲۹ ه . ق . ضرب گردیده است (نویسنده‌ی کاتالوگ سکه‌های ایرانی موزه‌ی بریتانیا تاریخ آنرا ۱۱۲۲ خوانده و از دوره‌ی صفوی می‌داند) .

در این فلوس که اینک متعلق بموزه‌ی بریتانیاست به تقلید آرمواریهای دولت‌های اروپایی، نقش دوشیر و خورشید را چنان در برابر هم قرار داده‌اند که شیرها بر روی دویای خود ایستاده و پنجه در پنجه‌ی هم افکنده‌اند و در زیر پای آنها نیز نقش برگی دیده می‌شود . این گونه نقش در میان نقوش فلوسهای ایران تازگی دارد و تأثیر نقش سکه و آرم‌های مغرب‌زمین کاملاً در آن هویدا است .

(بازمانده در شماره‌ی آینده)

۱۶ - «جوسیا اسپود = Josiah Spode» یکی از شاگردان معروف «جوسیا وچ وود = J. Wedg Wood» سفالگر مشهور انگلیسی است که خود سرسلسله‌ی سفالگران و چینی‌سازان انگلستان بشمار می‌رود . در سال ۱۷۹۶ م . پدرش «جوسیا اسپود دوم» کارخانه‌ی «استوک آن‌ترنت» تأسیس کرد که تا بامروز بنام کارخانه‌ی «میتون» معروف و دایرست . اسپود دوم خاکستر استخوان را بعنوان یکی از اجزاء مهم خمیر چینی‌سازی پذیرفته در کارخانه‌ی خود بکار برد و امروزه بهترین ظروف چینی انگلستان بوسیله‌ی کارخانه‌های «Coalport» و «Worcester» و «Minton» و «Copeland» طبق اصول اسپود ساخته می‌شود و آنها را بهمین علت چینی استخوانی می‌نامند و این نوع ظروف انگلیسی از بهترین و گران‌بهارترین ظروف چینی دنیا بشمار می‌رود و پیاله‌های موجود در موزه‌ی کاخ گلستان نیز در کارخانه‌ی «کوپلند» بشیوه‌ی اسپود ساخته شده و علامت آن کارخانه را دارد .



شکل ۲۲ - فلوس بانقش شیر و خورشید . ضرب بوشهر ؟ ۱۲۲۹ ه . ق .